



# عهد و گفتگو

مطالعات SPIRITUALITY

از درسگفتارها و نوشتارهای ربای ارد جانانان ساکسی

Jouhaan deley  
THE RABBI SACO LEGACY

با سلسله از Schimmel Family برای حمایت سخنرمانانه از عهد و گفتگو به نگویانند ربان Harry (Chaim) Schimmel. "من از همان بار اول که با نسخه تفسیر تورات ربای "پیچ شimmel" شروع کردم تا اکنون، آنرا عزیز داشته ام. هدف آن نه فقط نشان دادن حقیقت تاریخی من است، بلکه رسیدن به حقیقت زنده است که در آن نهفته است، او به همراه همسر شومنی آن را در عصمت سال زندگی مشترک، یک زندگی سرشار از عشق به خانواده، اجتماع و تورات ساخته. روح بیمانندی که با نمونه زندگی خود، بی نهایت الهام بخش من بوده است." - ربای ساکسی

## تفسیر هفتگی تورات

### خوکت: خطای دکارت

Chukat

Descartes' Error

ستون نویس نیویورک تایمز، دیوید بروک، در کتاب پرفروش خود به نام "حیوان اجتماعی" می نویسد:

ما در میانه انقلاب خودآگاهی زندگی می کنیم. در چند سال گذشته دانش های ژنتیک، عصب شناسی، رباتشناسی، جامعه شناسی، اقتصاد، انسان شناسی و دیگر علوم، به پیشرفت های بزرگی در زمینه فهم واحدهای ساختاری و زمینه ساز شکوفایی انسان دست یافته اند. هسته اصلی یافته های آنها این است که ما در درجه نخست، فرآوردهای تفکر خودآگاه خویش نیستیم. ما بیش از هر چیز، حاصل تفکری هستیم که زیر سطح آگاهی ما رخ می دهد.<sup>1</sup>

<sup>1</sup> David Brooks, *The Social Animal*, Random House, 2011, x.

در ذهن ما اتفاق هایی بیش از آنچه کاملاً آگاه باشیم، رخ می دهند. تیموتی ویلسون، از دانشگاه ویرجینیا، تخمین می زند که ذهن انسان می تواند ۱۱ میلیون واحد اطلاعات را در هر لحظه جذب کند. ما فقط می توانیم از بخش کوچکی از آنها آگاهی داشته باشیم. بیشتر آنچه در ذهن می گذرد، پایین آستانه آگاهی است.

یک دستاورد عصب شناسی نوین این است که ما از نقش عظیم عواطف در تصمیم گیری آگاه شده ایم. فیلسوفان روشنگری فرانسه بر نقش عقل تاکید داشتند و عواطف را همچون عامل حواس پرتی و انحراف می دیدند. امروز به صورت علمی می دانیم چقدر این دیدگاه اشتباه است.

انتونیو داماسیو در کتاب "خطای دکارت" داستان فردی را بازمی گوید که به دلیل یک غده از آسیب بخش پیشانی مغز رنج می برد. همه می دانستند که او ضریب هوشی بالا، اطلاعات بسیار و حافظه ای درخشان دارد. اما پس از عمل جراحی برداشتن غده، زندگی او رو به سقوط رفت. او قادر به استفاده از وقت خود نبود. سرمایه گذاری های غلطی انجام داد که پس اندازش از دست رفت. از همسرش جدا شد، دوباره ازدواج کرد و سریع طلاق گرفت. او هنوز می توانست به خوبی تعقل کند، اما توان داشتن احساس را از دست داد. در نتیجه، قادر به تصمیم گیری احساسی نبود.

مرد دیگری با آسیبی مشابه به کلی ناتوان از تصمیم گیری شد. داماسیو پس از یک بار دیدن دو مریض دو قرار بعدی برای آنها گذاشت. بیمار دفترچه ای بیرون آورد و یادداشتی نوشت و به مدت نیم ساعت شروع کرد به سبک و سنگین کردن خوبه ها و بدی های آن دو تاریخ، پیش بینی های هواشناسی و تداخل تا آنکه داماسیو حرف او را قطع کرد و گفت و به جای او تصمیم گرفت. مرد فوراً گفت: "عالی است" و رفت!

پشت گزینش های ما بیشتر عواطف هستند تا عقل و باید هوش عاطفی داشت تا تصمیم های درست گرفت. مسئله این است که بیشتر زندگی عاطفی ما در زیر سطح ذهن خود آگاه ما می گذرد.

همان گونه که می بینیم، منطق پشت خوکیم [احکام] یهودیت که از نظر عقلی معنایی ندارند، همین است. احکامی هستند مانند منع پاشیدن بذر های مختلف با هم (*kelayim*)؛ یا پوشیدن لباسی که با تارو بود مختلط پشم و کتان تهیه شده است (*shaatnez*)؛ و خوردن شیر و گوشت با هم. قاعدهء گوسالهء قرمز که پادشاهی این هفتهء ما با آن شروع شده، به درستی یک خوگ یا حکم تعریف شده است: "این حکم تورات است." اعداد ۱۹:۲

در طول قرن ها خوکیم به گونه های مختلفی تفسیر شده اند. اما در پرتو عصب شناسی نوین، می توانیم بگوییم که آنها قوانینی هستند برای پرش از بخش پیشین مغز که جایگاه عقل است و ایجاد انگاره های غریزی رفتار جهت خنثی ساختن برخی از رانه های عاطفی تاریکتر که در ذهن انسان فعال هستند.

برای نمونه می دانیم و جرد دایموند در کتاب خود به نام *Collapse* [فروپاشی] آنرا نشان داده، که انسان ها در طول تاریخ هر جا که ساکن شده اند، پشت سر خود یک سلسله مصیبت زیست محیطی به جا گذاشته اند، انواع جانوری و پرندگان را نابود کرده اند، جنگل ها را از بین برده اند، خاک را با بهره کشی بیش از حد کشاورزی آسیب زده اند و غیره.

منع کاشتن بذرهای مختلط، آمیختن شیر و گوشت، بافتن پشم و کتان به یکدیگر و غیره احترامی غریزی برای اصالت طبیعت پدید می آورد. حد و حدود می گذارند. این احساس را دامن می زنند که نباید با زیست محیط های جانوران و گیاهان هر گونه می خواهیم رفتار کنیم. برخی کارها ممنوع هستند، مانند خوردن از میوه درخت وسط باغ عدن. کل داستان باغ عدن، تمثیلی است که پیام آن را امروز بهتر از نسل های پیشین می فهمیم: این که بدون داشتن فهم از حد و حدود، همچنان به تخریب تعادل زیست محیطی می پردازیم و در نتیجه از بهشت رانده می شویم.

آیین گوسالهء قرمز، ویرانگرترین غریزهء پیشاعقلانی را نشانه می گیرد که زیگموند فروید آنرا *Thanatos* یا غریزه و رانهء مرگ نامید: چیزی ابتدایی تر، خام تر و غریزی تر از اصل لذت که آن را

از میدان به در می کند.<sup>2</sup> فروید در رساله خود به نام "تمدن و ناخشنودی هایش" نوشت که "یک بخش از غریزه مرگ به سوی دنیای بیرون هدایت می شود و به صورت غریزه تهاجم آشکار می شود". فروید آنرا "بزرگترین مانع تمدن" می دانست.

آئین گوساله قرمز، بیانی نیرومند است از این که امر مقدس را باید در زندگی جستجو کرد، نه در مرگ. هر کس که با جسم مرده ای تماس حاصل کند، می بایست پیش از ورود به محراب یا معبد، خود را پاک سازد. کوهنیم می بایست شدیدتر این قانون را رعایت کنند و کوهن گادول شدیدتر از همه.

این امر، یهودیت دوران توراتی را بسیار متمایز می سازد، زیرا نه آیین پرستش نیاکان مرده را دربر دارد و نه می خواهد با ارواح آنها در تماس باشد. احتمالاً از تبدیل مقبره موسی به یک محل مقدس به همین دلیل پرهیز شده که تورات می گوید: "تا امروز، هیچ کس از محل دفن او اطلاع ندارد" (تثنیه ۳۴:۶). خداوند و امر مقدس را باید در زندگی جستجو کرد. مرگ آلوده کننده است.

نکته مهم اینجاست و عصب شناسی نوین نیز آنرا روشن کرده که فقط با کمک عقل نمی توان به این امر [جستجوی تقدس در زندگی و آلوده کننده بودن مرگ] دست یافت. فروید درست می گفت که غریزه مرگ نیرومند، غیرعقلانی و بس ناخودآگاه است، اما در برخی شرایط می تواند با هدایت افراد به برخی اعمال، بسیار ویرانگر باشد.

واژه عبری خوک [حکم] از فعلی به معنای حک کردن می آید، درست همان گونه که یک قانون بر کتیبه ای سنگی حک می شود، یک خوک [حکم] نیز در اعماق ذهن ناخودآگاه ما حک می شود و پاسخ های غریزی ما را دگرگون می سازند. نتیجه شخصیتی است که آموزش دیده تا مرگ و امر مقدس را دو پدیده متضاد بداند – همان گونه که گوشت [مرگ] با شیر [زندگی] متضاد یکدیگرند.

---

<sup>2</sup> Sigmund Freud, "Beyond the Pleasure Principle" in *On Metapsychology*, Harmondsworth, Penguin, 1984, p. 294.

خوکیم ابزار یهودیت برای آموزش دادن ما برای تداعی تقدس با زندگی و آلودگی با مرگ است. بسیار جالب است که چگونه این دستاورد تورات مورد تایید عصب شناسی مدرن است.

عقلانیت که به جای خود اهمیت حیاتی دارد، فقط نیمی از این داستان است که ما چگونه آنچه هستیم که می باشیم. ما باید نیم دیگر خود را شکل داده، زیر کنترل بگیریم تا با موفقیت، غریزهء تهاجم، خشونت و مرگ را که زیر سطح ذهن خود آگاه ما فعال است، مهار سازیم.

شبات شالوم

ترجمه فارسی با مشارکت بنیاد ایرانی هارامبام، وابسته به فدراسیون یهودیان ایرانی -  
آمریکایی

توسط شیرین دخت دقیقیان

Persian Translation by Shirin D. Daghighian



[www.RabbiSacks.org](http://www.RabbiSacks.org)     @RabbiSacks

The Rabbi Sacks Legacy Trust, PO Box 72007, London, NW6 6RW • +44 (0)20 7286 6391 • [info@rabbisacks.org](mailto:info@rabbisacks.org)

© Rabbi Sacks • All rights reserved